

فهرست

دربارهٔ تدوین‌گر	۹
فصل اول: مقدمه و مرور	۱۱
آمار شیوع خیانت	۱۲
خلاصه فصول	۱۳
نتیجه‌گیری	۱۶
منابع	۱۶

بخش اول: درک پیمان‌شکنی

فصل دوم: رابطه جنسی در ارتباط نزدیک	۱۹
متغیرها و چالش‌ها	۱۹
رابطه جنسی در مقابل صمیمیت	۲۰
تک‌همسری و بدون تک‌همسری	۲۴
موانع یکپارچگی رابطه جنسی و صمیمیت	۲۷
اولویت‌های زندگی و تغییر خواسته‌ها	۲۸
بیزاری (رنجش)	۳۰
نتیجه‌گیری	۳۱
منابع	۳۲
فصل سوم: دورنمای روان‌شناسی تکاملی در مورد خیانت به همسر	۳۴
مقدمه: دورنمای روان‌شناسی تکاملی	۳۴
منابع	۳۷

بخش دوم: زوج‌درمانی مسئلهٔ خیانت

فصل چهارم: پژوهش‌های انجام‌شده در زمینهٔ زوج‌درمانی خیانت	۴۱
دربارهٔ کمک به زوج‌ها، پس از آگاهی از این موضوع که یک رابطهٔ نامشروع در کار بوده است، چه می‌دانیم؟	۴۱
نگاهی اجمالی به رویکردهای زوج‌درمانی	۴۲
زمینه‌های تحقیقاتی برای پژوهش‌های آینده	۵۱
رهنموده‌هایی مبتنی بر پژوهش - برای انجام فعالیت‌های بالینی مربوط به خیانت	۵۲

نتیجه‌گیری	۵۵
منابع	۵۶
فصل پنجم: رویکرد میان سیستمی در درمان خیانت	۵۹
رویکرد میان سیستمی در درمان خیانت	۶۰
مرحله اول: واکنش‌های پس از افشا، مدیریت بحران و ارزیابی	۶۱
مرحله دوم: ملاحظات کلی و نظام‌مند	۶۷
مرحله سوم: تسهیل فرایند بخشش	۷۱
مرحله چهارم: درمان عواملی که در وقوع خیانت مؤثر هستند	۷۸
مرحله پنجم: تقویت صمیمیت از طریق ارتباط	۸۴
نتیجه‌گیری	۸۶
منابع	۸۹
فصل ششم: درمان خیانت	۹۲
رویکرد تلفیقی به رفع آسیب‌روانی و تقویت (روحیه بخشش)	۹۲
آثار آسیب‌زای خیانت	۹۵
ارتقا مهارت‌ها و شناخت لازم برای بهبودی	۹۷
مرحله اول: مقابله با آثار رابطه نامشروع	۹۹
مرحله دوم: بررسی بافت و زمینه	۱۰۶
مرحله سوم: گذر کردن	۱۱۲
ملاحظات کلی در واکنش به روابط نامشروع و نتایج ضمنی آنها برای درمان	۱۱۷
یافته‌های تجربی یک مطالعه موردی تکرار شده در مداخله درمانی زوج-محور و رابطه نامشروع	۱۲۰
خلاصه	۱۲۲
منابع	۱۲۲
فصل ۷: بخشیدن و فراموش کردن	۱۲۵
مقایسه مدل‌های هیجان-محور و شناختی-رفتاری	۱۲۵
بخشش و درمان خیانت همسران	۱۲۵
مقدمه	۱۲۵
تعاریف خیانت	۱۲۶
تأثیر خیانت	۱۲۶

۱۲۸.....	مدل‌های فردی بخشش
۱۳۱.....	مدل‌های زوج - محور بخشش
۱۳۱.....	CBMT یکپارچه و مدل بینش - محور
۱۳۳.....	درمان هیجان - محور (EFT): مدل درمان آسیب وابستگی
۱۴۴.....	نتیجه‌گیری
۱۴۴.....	منابع

فصل هشتم: رابطه نامشروع وسیله‌ای برای تغییر..... ۱۴۸

۱۴۸.....	مقدمه
۱۵۰.....	چه عواملی در بروز یک رابطه نامشروع مؤثر است؟
۱۵۰.....	انواع مختلف رابطه نامشروع
۱۵۵.....	اسنادهای درمانگر
۱۵۶.....	فعالیت‌های زوج پس از رابطه نامشروع
۱۶۳.....	درمان فردی پس از یک رابطه نامشروع
۱۶۴.....	نقش زوج درمانگران در درمان روابط نامشروع
۱۶۶.....	نتیجه‌گیری
۱۶۶.....	منابع

بخش ۳: اثر پیمان شکنی بر زوج و خانواده از دیدگاه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، نسلی و جنسی

فصل نهم: رابطه نامشروع مجازی..... ۱۶۹

۱۷۰.....	آیا این، رابطه نامشروع است یا اعتیاد؟
۱۷۰.....	جذابیت‌های اینترنت
۱۷۴.....	مؤلفه‌های عشق واقعی
۱۷۴.....	انواع ارتباطات نامشروع
۱۷۷.....	تفاوت روابط مجازی و سنتی
۱۷۹.....	مراحل یک رابطه نامشروع
۱۸۰.....	سر و سامان دادن به رابطه نامشروع اینترنتی
۱۸۱.....	مرحله اول: کنار آمدن با هیجانانگیز
۱۸۴.....	مرحله دوم: جستجو برای درک بیشتر
۱۸۵.....	مرحله سوم: بازسازی رابطه
۱۸۶.....	مرحله چهارم: رأی به تعطیل

۱۸۷	مطالعه موردی
۱۸۹	مداخلات زوجی
۱۹۰	درمان اعتیاد جنسی
۱۹۰	یافتن معنی
۱۹۱	منابع

فصل دهم: خیانت زناشویی

۱۹۳	یک چشم‌انداز چندفرهنگی
۱۹۴	پژوهش‌هایی در باب خیانت
۱۹۴	دیدگاه‌های چند فرهنگی در مورد خیانت زناشویی
۱۹۸	منابع

فصل یازدهم: "رابطه نامشروع به یاد می ماند"

۲۰۰	خیانت و اثر آن بر روی کودکان
۲۰۱	چه اتفاقی در خانواده می‌افتد زمانی که رابطه نامشروع در آن جریان دارد
۲۰۳	متخصصان بالینی
۲۰۳	چگونه رابطه نامشروع بر روی کودکان اثر می‌گذارد
۲۰۵	طلاق و تعارض
۲۱۲	کودکان در خانواده‌های دچار زن‌بارگی
۲۱۳	پیامدهای دیگر رابطه نامشروع
۲۱۴	ارزیابی کودکان
۲۱۵	پیامدهای افشاگری
۲۱۸	راهنمای تصمیم‌گیری ابراز مسأله به کودک
۲۱۹	چگونه در مورد رابطه نامشروع با کودکان صحبت کنیم
۲۱۹	راهنمای چگونگی گفتن به کودک با شیوه‌ای متناسب با سن
۲۲۱	درمان
۲۲۳	هدف اول: تقویت مرزهای بین نسلی
۲۲۵	هدف دوم: کمک به بیان احساسات در کودکان و ارتباط خانوادگی بی‌پرده
۲۲۶	هدف سوم: کاهش اضطراب‌های کودکان
۲۲۷	هدف چهارم: سازگاری با تغییرات و ابراز غم
۲۲۸	هدف پنجم: رشد بهره‌گیری از حمایت بیرونی
۲۲۹	بررسی درمان‌های دیگر

۲۳۱ موضوعات مربوط به خویشتن درمانگر
۲۳۱ نتیجه‌گیری
۲۳۱ منابع

بخش چهارم: اندیشه‌های حرفه‌ای و نتیجه‌گیری

۲۳۹ فصل دوازدهم: اندیشه‌های یک استاد
۲۳۹ مصاحبه‌ای با فرانک پیتمن
۲۵۰ فصل سیزدهم: انعکاس‌های رابطه نامشروع
۲۵۰ یک دورنمای تجربی
۲۵۳ فرض‌هایی در مورد رابطه نامشروع
۲۵۳ زمینه‌سازهای رابطه نامشروع: موضوعات
۲۵۷ رابطه نامشروع به‌عنوان روان‌درمانی
۲۶۲ موضوعات درمانی
۲۷۰ تمرکز بر روی کمک به زوج برای رویارویی با آسیب‌پذیری است
۲۷۱ کار بر روی آسیب‌پذیری
۲۷۵ کار با تاریخچه زندگی در زمان حال
۲۷۷ نتیجه‌گیری
۲۷۷ منابع
۲۷۹ فصل چهاردهم: خلاصه کردن مسائل خیانت
۲۷۹ درس‌های آموخته شده در طول این راه
۲۸۰ مورد اول: عقیده اشتباه «باقی ماندن در سطح»
۲۸۲ مورد دوم: عقیده اشتباه «از دست دادن وضوح»
۲۸۴ واژه‌نامه

دربارهٔ تدوین‌گر

پاول ر. پلوسو در حال حاضر استادیار و هماهنگ‌کننده برنامهٔ بهداشت روان دانشگاه آتلانتیک فلوریدا است.

او به عنوان یک خانواده‌درمانگر، مشاور ازدواج و مشاور بهداشت روان در ایالت فلوریدا، پروانه کار دارد.

او استاد ناظر مورد قبول انجمن خانواده‌درمانی و مشاور ازدواج آمریکا است. او عضو هیأت تحریریه مجله‌های متعددی مانند مجله روان‌شناسی خانواده و روان‌شناسی فردی است.

دکتر پلوسو همچنین در حال حاضر در پژوهش‌های کیفی مجله‌های رشد و مشاوره شرکت دارد. او نویسنده همکار برای کتاب زوج‌درمانی است. این کتاب دربرگیرندهٔ رویکرد یکپارچه‌نگر و روش‌های آن است. علاوه بر این، او نویسندهٔ همکار برای کتاب‌هایی در مورد تفکر غیرخطی و مشاوره و روش‌های مشاوره است، که به زودی به چاپ خواهد رسید. علایق پژوهشی او دربرگیرندهٔ رشد خانواده و زوج، فرزندپروری و نظریهٔ دل‌بستگی است.

فصل اول

مقدمه و مرور

پاول ر. پلوسو

احساس می‌کنم گویی حس پنهانی مرا در بر گرفته و مرا به سمت دریا سوق می‌دهد. به نظر می‌رسد نمی‌توان به خشکی رسید و من در دریا غرق گشته‌ام. با این کلمات، مراجع احساسات خود را از اینکه همسرش بیش از بیست سال او را فریب داده، توصیف می‌کند. اینها استعاره برگرفته از تجربه تعداد زیادی از همسرانی است که وارد مرحله درمان رابطه خارج زناشویی یا خیانت می‌شوند. همسران، علی‌رغم اینکه هیجان‌ات شدیدی را نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند، در تلاشند تا اشکال مختلفی از ارتباط را نگه دارند. اما احساس خیانت، آنها را نابود می‌کند درحالی که بعد از ابراز خشونت در روابط توسط یکی (یا هر دو)، آنها در صدد رسیدن به تفاهم هستند. از نظر ماهیت؛ خشونت به صورت فیزیکی یا عاطفی است و توافق بین دو طرف به صورت تلویحی یا آشکار، احتمالاً تداوم ازدواج است. پرسش‌هایی درباره معنی خیانت از نظر هر کدام و عدم اطمینان نسبت به تعهد به یکدیگر، زوج را برای درمان سوق می‌دهد. واقعیت این است که وقتی همسران برای درمان می‌آیند در جستجوی راهی هستند تا سر خود را بالا بگیرند و اجازه ندهند روابطشان آنها را در خود فرو برد و غرق در مسائل پنهانی سازد. اما در حقیقت، اینکه همسران به خواسته‌هایشان برسند خیلی مشکل است. به عقیده بسیاری از زوج‌درمانگران، هرچند گفته می‌شود خیانت دلیلی است که همسران به مشاوره مراجعه می‌کنند، اما درمانگران، کمتر توانایی مدیریت آن را دارند (ولیسمن، دیکسون و جانسون، ۱۹۹۷).

برای اینکه درمانگر آماده درک پیچیدگی‌های موضوع خیانت شده باشد، آگاهی نسبت به برخی از پویای‌های اساسی موضوع، اعم از شیوع خیانت، مشکل مربوط به درمان و اثرپذیری زوج‌درمانی ضروری است. این فصل بر آمار گسترش خیانت در همسران و برداشت کلی از فصول کتاب متمرکز است. مسائل درمان و اثرپذیری زوج‌درمانی در یاری رساندن به مراجعان برای مواجهه با خیانت و

کمک رساندن به درمانگر به منظور برطرف کردن نیازهای همسران، در این فصل بحث می‌شود.

آمار شیوع خیانت

مطابق آمار وایدومن ۱۹۹۴ که در آمار بلو و هارت‌نت (۲۰۰۵) نیز عنوان شده، با استفاده از بررسی عام اجتماعی^۱ در سال ۱۹۹۴ (تعداد ۸۸۴ مرد و ۱۲۸۸ زن) تنها ۷۸ درصد از مردان و ۸۸ درصد از زنان عنوان کرده‌اند که به هیچ عنوان درگیر این مسائل نبوده‌اند.

به نظر می‌رسد براساس گزارشات بلو و هارت‌نت (۲۰۰۵) که در چندین مطالعه صورت گرفته، این یافته‌ها می‌تواند ثابت باشد. اما در صورتی امکان‌پذیر است که الف) انواع تمرکز روی آمیزش جنسی باشد؛ ب) موضوعات متمرکز بر همسران غیرهمجنس‌گرا باشد؛ ج) نمونه در مقیاس بزرگ و معرف جامعه باشد.

از دیگر شاخص‌های شیوع خیانت، نگرش افراد نسبت به این موضوع است. در نمونه‌های بزرگ زوج‌های غیر همجنس‌گرا، افراد، مخالف خیانت‌اند. اما این یافته‌ها هنگامی که شاخص‌هایی مانند فرهنگ، جنسیت، رفتار (نوع خیانت) و درگیری‌های گذشته، لحاظ شود، تا حدودی نقش کم‌رنگ‌تری به خود می‌گیرد (بلو و هارت‌نت، ۲۰۰۵). علاوه بر این تریز (۲۰۰۲) با بررسی گروه‌های بزرگ به این نتیجه رسید که نگرش نسبت به خیانت، دست‌خوش تغییرات زیادی شده به‌طوری که نسل جوان نسبت به نسل‌های گذشته، بردباری بیشتری نسبت به این موضوع از خود نشان می‌دهد. در کمال شگفتی، گلس و رایت (۱۹۹۲) دریافتند افرادی که زنا می‌کنند نگرش سهل‌انگارانه‌تری نسبت به این مسأله دارند. تقریباً ۹۰ درصد مردان و زنان ناخرسند در زندگی زناشویی احساس می‌کنند که شرایط مهیا بوده تا بتوانند رابطه خارج زناشویی را توجیه کنند. این امر نشان می‌دهد که تنوع عقاید نسبت به مسأله خیانت؛ خصوصاً در جوامع خاص و زیرگروه‌های جامعه وجود دارد. اما در برخی از این زیر گروه‌ها، نگرش غیر تک‌همسری براساس مؤلفه‌های زیر استوار است: الف) نقش نیازهای بیولوژیکی؛ ب) مخرب نبودن رابطه اولیه؛ ج) هردو.

پویش‌های مهمی برای زوج درمانگران وجود دارد که در حین کار با این مورد، آن را مدنظر قرار می‌دهند.

تفاوت‌های جنسیتی

باور مشترک این است که تفاوت‌های جنسیتی گسترده‌ای در مورد کسانی که در رابطه متعهدانه خیانت می‌کنند، وجود دارد. گلس و رایت (۱۹۹۲) در پژوهشی دریافتند که ۴۴ درصد مردان روابط خارج زناشویی دارند و این رقم در مورد زنان تنها ۲۵ درصد است. در نمونه دیگر، اتکینز (۲۰۰۳) دریافت

که جنسیت، عامل واسطه‌ای مهمی در میزان شیوع خیانت است. مردانی که خیانت را تجربه کرده‌اند، مسن‌تر و نارضایتی جنسی‌شان در مقایسه با زنانی که درگیر مسأله خیانت بودند، بیشتر بود. بونک و دیکسترا (۲۰۰۴) در گزارشی عنوان کردند، مردانی که به خاطر جبران نا کارآمدی جنسی، خیانت می‌کنند نسبت به زنان، بیشتراند. آنها هم‌چنین عنوان کردند که نبود رضایت جنسی بین دو طرف به عنوان عامل خیانت، کم‌رنگ‌تر شده است.

دیگر شاخص رایج که اغلب وقوع خیانت را تعدیل می‌کند، رضایت در رابطه اولیه است. آیا رابطه‌ای بین نارضایتی و روابط خارج زناشویی وجود دارد؟ آیا این امر بین دو جنس متفاوت است؟ در پژوهشی که صورت گرفته نشان داده شده، مردان و زنانی که درگیر رابطه بودند سطوح مختلفی از نارضایتی در ازدواج‌شان وجود داشته است. تقریباً دوسوم زنانی که از ازدواج خود ناخرسندند، قبلاً رابطه داشته‌اند و این درحالی است که تنها ۳۰ درصد مردان از ازدواج‌شان ناراضی بودند (گلکس و رایت ۱۹۹۲).

مطابق پژوهش اتکینز (۲۰۰۳)، افرادی که قبلاً خیانت کرده‌اند، بی‌ثباتی در زندگی زناشویی، عدم صداقت، مشاجره در مورد اعتماد و خودشیفتگی بیشتری از خود نشان دادند و زمان کمتری را با همسرشان سپری کرده‌اند. پریوتی و آماتو (۲۰۰۴)، در مطالعه طولی همسران تازه ازدواج کرده، متوجه شدند که بی‌ثباتی در رابطه (آنچه که "مستعد طلاق" می‌نامند)، پیشگویی مهمی از خیانت بعدی است و اینکه خیانت، با رضایت زناشویی بعد از رابطه، رابطه عکس دارد. به عبارتی دیگر، اثر دوسویه‌ای بین رابطه بد و خیانت وجود دارد.

رابطه بد خیانت را افزایش می‌دهد و اثر منفی بر ازدواج می‌گذارد. واضح است که شواهد، به‌رغم نگاه اجمالی از دیدگاه پژوهشی، به چندین شاخص همسران اشاره دارد که برای درک و نیز کار با زوج درگیر رابطه، حائز اهمیت است. مهم‌ترین آنها اعتماد و رضایت است. خبر خوب اینکه زوج درمانگران می‌توانند در این حوزه با درک پیچیدگی‌های عاطفی، روانی و جسمی خیانت، مؤثر واقع شوند.

خلاصه فصول

به علت پیچیدگی موضوع خیانت در سطوح فرضیه‌ای، پژوهشی و بالینی و مرکزیت آن در زوج درمانی، فصل اول این کتاب به گونه‌ای گردآوری شده تا خواننده به یک نگرش و درک نسبی از همه جوانب موضوع خیانت برسد.

این کتاب چهار بخش اصلی دارد. بخش اول، برداشت کلی از موضوعاتی که مرتبط با خیانت است ترسیم می‌کند و فصول زیر را در برمی‌گیرد:

فصل دوم: روابط جنسی در ارتباط نزدیک. انواع چالش‌ها که توسط پاول راسموسن و کتلین جی نوشته شده تا مفهومی را برای مسأله رابطه جنسی و صمیمیت در روابط همسران پدید آورد.

در این فصل برای ابرازهای جنسی گوناگون تعریفی ارائه می‌شود (به عنوان مثال غیر تک همسری) علاوه بر این، آنها در جستجوی راه‌هایی هستند که ابراز جنسی بتواند هم برای زوج‌های جدا نشده و هم جدا شده مورد استفاده قرار گیرد و اینکه ابراز جنسی با موضوع خیانت چه ارتباطی دارد.

فصل سوم: دیدگاه روان‌شناسی تکاملی نسبت به موضوع خیانت است که توسط آلیستر پی سی دیویس، تاد کی شکلفورد و آرون تی گوتس نوشته شده است. آنها به پدیده "تجاوز به همسر" و آنچه که ممکن است دلیل بیولوژیکی وقوع خیانت باشد، می‌پردازند. آنها در این بخش به پویایی‌هایی که در خیانت نقش دارند و نیز اسنادهایی که شکل‌دهنده رفتارهای خیانت محور هستند از جمله حسادت توجه می‌کنند. بخش دوم به درمان خیانت در زوج‌درمانی می‌پردازد و شامل فصولی با عناوین زیر است: فصل ۴ با عنوان، پژوهشی در مورد زوج‌درمانی موضوع خیانت: آیا ما چیزی درباره کمک به زوج، هنگامی که وارد رابطه نامشروع می‌شوند می‌دانیم؟ دورا ای. کسل، جسیکا اچ. مون و دیوید سی. اتکینز پژوهشی را در مورد زمان و درمان عدم تعهد زوج و تهیه خلاصه‌ای از راهنمایی بالینی، براساس تحقیقات موجود ارائه کرده‌اند.

فصل پنجم: رویکرد درون سیستمی درمان خیانت که توسط استیفن فایف، جرالدر آر ویکس و نانسی گامشا ارائه شده و در آن جزئیات مدل جامع برای درمان جنبه‌های مختلف خیانت شرح داده شده است.

قطع نظر از اینکه خیانت چگونه رخ می‌دهد، این رویکرد، نقشه انعطاف‌پذیری را برای استفاده درمانگران ارائه می‌دهد. ارزیابی جامع و الگوهای درمانی در اختیار درمانگران قرار می‌گیرد تا بهترین درمان را برای مراجع خود انتخاب کنند.

فصل ششم: درمان خیانت با رویکرد تلفیقی برای برطرف کردن ضربه روانی و ایجاد بخشیدگی است، که توسط واگلاس کی اسنایدر، دونالد اچ بوکام و کریستینا سی گوردن نوشته شده و یک الگوی پژوهش-محور در خصوص بخشودگی محسوب می‌شود. آنها رویکرد بینشی را با زوج‌درمانی رفتاری شناختی تلفیق کرده‌اند تا روشی به وجود آید که درمانگران مسائل درمان را بهتر درک کنند.

فصل هفتم: بخشیدن و فراموش کردن. مقایسه مدل‌های هیجان-محور و شناختی-رفتاری بخشش و مداخله آن با مفهوم عدم تعهد زوج که توسط هیتربی مکینتاش، جوان هال و سوزان ام جانسون به رشته تحریر درآمده. نویسندگان درباره این موضوع بحث می‌کنند که روش درمان هیجان‌مدار (EFT)^۱ چگونه در مواجهه با خیانت می‌تواند به صورت مجزا بر سطوح رنج و درمان پردازد. آنها خلاصه‌ای از عناصر "الگوی حل و فصل آسیب‌دلبستگی"^۲ ارائه می‌دهند و به یافته‌های تحقیقی مرتبط با این نکته می‌پردازند که این طرح چگونه ممکن است نسبت به دیگر رویکردها ارجحیت داشته باشد.

فصل هشتم: رابطه نامشروع به عنوان وسیله‌ای برای تغییر امیلی ام. براون طبقه‌بندی از روابط نامشروع براساس شرایط عاطفی زوج، قبل از رابطه نامشروع ارائه می‌دهد. او راه‌های گوناگونی را ارائه می‌دهد که برای افشای مسائل موجود که تا به حال به آن اشاره نشده، راه‌گشا باشد.

او روش‌هایی را برای زوج‌درمانی بیان می‌کند که همسران بتوانند خود را به شرایط قبل از خیانت برگردانند. بخش سوم کتاب نگاهی به خیانت و تأثیر آن بر همسران، از دیدگاه‌های مختلف فرهنگی، نسلی، اجتماعی و جنسی می‌اندازد که شامل بخش‌های زیر است.

فصل نهم: خیانت اینترنتی: رونا سابوت‌نیک راجع به یک روش جدید و مخرب بی‌وفایی بحث می‌کند، اینترنت. او یک مدل عمقی برای کار بر روی جنبه‌های منحصر به فرد این روابط و چگونگی کار با همسران ارائه می‌دهد.

فصل دهم: خیانت، از دیدگاه چند فرهنگی. این بخش توسط ریچارد سی هنریکسن نوشته شده و این دیدگاه را به خواننده می‌دهد که چگونه فرهنگ، دیدگاه کلی جدیدی برای پذیرش و درمان خیانت به زوج می‌دهد. این بخش نگاهی به خرده فرهنگ‌ها و تصوراتشان نسبت به موضوع خیانت می‌اندازد. علاوه بر این نکات، درمان عملی در فرهنگ‌های مختلف برای درمانگران مورد توجه قرار گرفته است.

فصل یازدهم: رابطه نامشروع به یاد می‌ماند، خیانت و تأثیر آن بر کودکان. کاترین فورد سوری راجع به اثر ماندگار خیانت روی کودکان در همه سنین، بحث می‌کند. او درباره چالش‌های کاری با بچه‌ها در هنگام وقوع خیانت و نیز درمان کاربردی زوج و خانواده‌درمانگران به صورت کامل توضیح می‌دهد. در بخش آخر از دو درمانگر که نقش بسزایی در این حوزه داشتند یاد شده است، که شامل بخش‌های زیر است.

فصل چهاردهم: تفکرات یک استاد. این بخش توسط فرانک پیتمن، کتی برمن و پاول آر پلوسو نوشته شده که در آن فرانک پیتمن تفکراتش را نسبت به جنبه‌های اخلاقی خیانت و وقایع جاری مشاوره زوج‌درمانی بیان می‌کند. او از هوش و بینش منحصر به فرد خود در پاسخ به سؤالات و کار با موضوع خیانت استفاده کرده است.

فصل پانزدهم: تفکرات نسبت به خیانت. یک دیدگاه تجربی. آگوستیس ناپیر دیدگاه خود و خاطرات بیش از سه دهه درمان زوج‌ها و خیانت با رویکرد خانواده‌درمانی تجربی- نمادین را بیان می‌کند. او برخی از طرح‌های اصلی متن را گاهی به صورت شعر، با بیانی منسجم و جدید، بازگو می‌کند. او از همه درمانگرانی که در زوج‌درمانی جسارت به خرج می‌دهند خصوصاً اگر موضوع خیانت در کار باشد، یاد می‌کند.

فصل شانزدهم: جمع‌بندی خیانت: دروس آموخته شده در این روش، توسط پاول پلوسو نوشته شده. او به صورت کلی دو باور غلط عمده که بیشتر درمانگران تازه‌کار در حین درمان خیانت با آن مواجه

می‌شوند، را بیان می‌کند. او با استفاده از دو مورد پژوهشی، به تفصیل، چگونگی این عقاید نادرست را که منجر به ناکارآمدی فرایند درمان می‌شود بیان می‌کند و اظهار می‌کند که چگونه اطلاعات ارائه شده در دیگر بخش‌های کتاب می‌تواند برای اجتناب از مشکلات رایج مورد استفاده قرارگیرد.

نتیجه‌گیری

نکته پایانی درباره محتوای برخی فصول: ممکن است خواننده کتاب متوجه شود که همپوشانی زیادی در بیان اطلاعات ارائه شده وجود دارد. دلیلش ساده است. اطلاعات درباره سایر موضوعات درمانی نیز در نوشته‌ها وجود ندارد (به عنوان مثال، سوء مصرف). این کتاب شاید بهترین کتاب به لحاظ ترکیب، به روز بودن، رویکردهای درمانی گوناگون، مسائل درمانی و کار تحقیقی باشد که در حوزه خیانت و زوج‌درمانی به رشته تحریر درآمده است.

منابع

- Atkins, D. C. (2003). *Infidelity and marital therapy: Initial findings from a randomized clinical trial*. Unpublished doctoral dissertation, University of Washington, Seattle.
- Blow, A. & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships II: A substantive review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(2), 217–234.
- Buunk, B. P., & Dijkstra, P. (2004). Men, women and infidelity: Sex differences in extradyadic sex and jealousy. In G. Allan, J. Duncombe, K. Harrison, & D. Marsden (Eds.), *The state of affairs: Explorations in infidelity and commitment* (pp. 103–120). Mahwah, NJ: Erlbaum.
- Glass, S., & Wright, T. L. (1992). Justifications for extramarital involvement: The association between attitudes, behaviors, and gender. *Journal of Sex Research*, 29(3), 361–387.
- Lusterman, D. D. (1998). *Infidelity: A survival guide*. Oakland, CA: New Harbinger.
- Previti, D., & Amato, P. R. (2004). Is infidelity a cause or a consequence of poor marital quality? *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(2), 217–230.
- Treas, J. (2002). How cohorts, education, and ideology shaped a new sexual revolution on American attitudes towards nonmarital sex, 1972–1998. *Sociological Perspectives*, 45(3), 267–283.
- Whisman, M. A., Dixon, A. E., & Johnson, B. (1997). Therapists' perspectives of couple problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 11, 361–366.

بخش اول

درک پیمان شکنی

فصل دوم

رابطه جنسی در ارتباط نزدیک

متغیرها و چالش‌ها

(پاول ر. راسموسن و کاتلین ج. کیلبرن)

خیانت‌های جنسی زمانی اتفاق می‌افتد که نیازهای جنسی و یا صمیمیت در روابط یک یا هردو زوج راضی‌کننده نباشد و موانع پیش راه خیانت، ضعیف یا وجود نداشته باشند. تشویق برای داشتن روابط خارج زناشویی با یک شریک جدید، بی‌تردید از این قاعده مستثنی نیست (رز، ۲۰۰۲).

از آنجایی که این حقیقت ممکن است درست باشد که اکثراً بزرگسالان تمایل به رابطه خارج زناشویی ندارند، اما این نکته در ذهن باقی می‌ماند که تک‌همسری ممکن است برای کسانی که امیالشان با اشتیاق جنسی ما متناسب نباشد، غیرطبیعی به نظر نرسد، قطع نظر از اینکه فواید آشکاری در تک‌همسری وجود دارد که با رابطه جنسی ارتباط مستقیمی ندارد. در این بخش درباره برخی از شاخص‌ها که نقش مهمی در خیانت‌های جنسی دارند بحث می‌کنیم و نیز اشکال مختلفی که به عنوان راهی برای کنار آمدن با فشارهایی که منجر به خیانت‌های جنسی می‌شود، صحبت می‌کنیم. موضع اتخاذ شده در این بخش کاملاً بی‌طرفانه است، موضوعات و شاخص‌هایی که نقشی در ناکامی جنسی همسران دارند و نیز متغیرهایی که در جوامع ما پیگیری می‌شوند را توصیف می‌کند. ما بحث را با رابطه جنسی و صمیمیت و وجه افتراق بین آنها آغاز می‌کنیم. دو نقش (رابطه جنسی و صمیمیت) اغلب چالش‌هایی را توصیف می‌کند که از تفکر یکسان بودن آن دو ناشی می‌شود. برای اطمینان فرض می‌کنیم که اگر همسران با یکدیگر احساس صمیمیت کنند، درگیر رابطه جنسی شده و نیز ممکن است تصور کنیم اگر زوجی رابطه جنسی دارند رابطه صمیمی نیز بین آنها وجود دارد، اما آیا واقعیت چنین است؟ آیا شخصی براساس نیاز یا پیش‌فرض، با فرد دیگری وارد رابطه می‌شود؟ مسلماً خیر.

معمولاً دو واژه را به جای یکدیگر استفاده می‌کنیم، ولیکن احتمالاً رابطه جنسی می‌تواند در نبود صمیمیت اتفاق بیافتد و صمیمیت همیشه با فعالیت جنسی رابطه ندارد. در حقیقت این دو واژه علی‌رغم هماهنگی رفتار و احساس، بیانگر تفاوت‌ها هستند. تفاوت بین فعالیت‌های جنسی و صمیمیت عاطفی معرف شیوه‌های معنادار در بهتر کردن روابط و گاهی اوقات متأسفانه مخرب روابط به شمار می‌رود. بدون شک، ایجاد تعادل این دو تجربه انسانی در روابط، نشان‌دهنده اوج لذت و عمق رنج عاطفی است که می‌تواند ریشه در خیانت داشته باشد.

رابطه جنسی در مقابل صمیمیت

رابطه جنسی: بهترین تعریفی که از رابطه جنسی می‌توان ارائه کرد، تماس جسمی و شهوانی پیش رونده است که نهایتاً ارگاسم را شامل می‌شود. رابطه جنسی مستلزم صمیمیت نیست. صمیمیت واژه‌ای است که بر میزان رابطه عاطفی دلالت دارد. در رابطه صمیمی، افراد، افکار، ابراز احساسات خصوصی خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند که برای یکدیگر رفاه به همراه دارد. صمیمیت شامل احساس دوست داشتن و نزدیکی به یکدیگر است (ماشک و آرون، ۲۰۰۴) درحالی که رابطه جنسی به عشق یا رابطه عاطفی و وابستگی، بستگی ندارد.

رابطه بین این دو واژه در این حقیقت نهفته است، وقتی رابطه جنسی و صمیمیت با یکدیگر اتفاق می‌افتد، احتمال رابطه عاشقانه بیشتری وجود دارد و معمولاً دو طرف از تقویت و برقراری رابطه لذت می‌برند (برهم پرلمن، سیر و کامپل، ۲۰۰۴). عشق بازی در روابط صمیمی، عمل جنسی است که زوج، احساس شهوانی و تعهد به همدیگر را ابراز می‌کنند. برای اطمینان، افراد می‌توانند رابطه صمیمی را شکل دهند که رابطه جنسی را در بر نگیرد و نیز رابطه جنسی می‌تواند اغلب در غیاب رابطه صمیمی اتفاق بیافتد.

جهت‌گیری سنتی

در جامعه آمریکا، رایج‌ترین نگرش نسبت به رابطه جنسی و صمیمیت این است که این دو موضوع باید با یکدیگر اتفاق بیافتد. اینکه این دو مقوله در قالب یک ازدواج رسمی یا به صورت توافقی صورت گیرد یا خیر، اغلب به نگرش‌های مذهبی و تجارب همسران مربوط می‌شود. در افراد مذهبی، صمیمیت پیش از رابطه جنسی، افزایش می‌یابد در حالیکه در اغلب افراد محافظه‌کار، صمیمیت بعد از رابطه جنسی شکل می‌گیرد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که دیدگاه سنتی، نسبت به صمیمیت و رابطه جنسی مثل قبل معمول نیست. به عنوان مثال آمار آن دسته از آمریکایی‌هایی که عنوان می‌کنند داشتن رابطه جنسی قبل از ازدواج غلط نیست از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۶۹، از ۲۴ درصد به ۴۷ درصد، در سال ۱۹۷۲ به ۵/۵۱ درصد و در سال ۱۹۸۲ به ۸/۶۱ درصد رسید (کاردینگ و جنکس ۲۰۰۳، شورتن و